

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۶، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۴۳ تا ۱۵۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی ناشی از سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین، شامل بیت المقدس شرقی»

عباس برزگر زاده^۱ دکتری تخصصی حقوق، استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، ایران.

مریم اکبری^{۲*} دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران.

چکیده

در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در پاسخ به درخواست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نظر مشورتی خود را پیرامون پیامدهای حقوقی سیاست‌ها و اقدامات رژیم اشغالگر اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، از جمله بیت‌المقدس شرقی، صادر کرد. این نظر مشورتی در بستر تشدید تجاوزات اسرائیل، گسترش شهرک‌سازی، نقض حقوق بشر، تغییر وضعیت جمعیتی و حقوقی بیت‌المقدس و ممانعت از اعمال حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین ارائه شده است. دیوان با استناد به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل از جمله منشور ملل متحد، کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به بررسی حقوقی اقدامات اسرائیل پرداخته و تأکید کرده است که استمرار اشغالگری، ساخت شهرک‌ها و اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز، ناقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل است. این مقاله در پی آن است تا ابعاد مختلف این نظر مشورتی را تحلیل کرده، جایگاه آن را در نظام حقوق بین‌الملل بررسی کند و اثرات احتمالی آن را بر روند حل‌وفصل مناقشه فلسطین-اسرائیل ارزیابی نماید.

واژگان کلیدی: نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴، رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین، دیوان بین‌المللی دادگستری.

^۱ abbasbarzegar60@gmail.com

^۲ *نویسنده مسئول: smohammadreza2022@gmail.com

۱۴۳ نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی ناشی از.....» (عباس برزگر زاده، مریم اکبری)

مقدمه

دیوان بین‌المللی دادگستری^۱ به عنوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد، نقش مهمی در تبیین و توسعه حقوق بین‌الملل دارد. یکی از ابزارهای مهم در این مسیر، ارائه نظرات مشورتی درباره مسائل حقوقی مورد درخواست ارگان‌های صلاحیت‌دار سازمان ملل است. در این راستا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۲ با تصویب قطعنامه‌ای، از دیوان خواست تا نظر مشورتی خود را در خصوص پیامدهای حقوقی اقدامات و سیاست‌های رژیم اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله بیت‌المقدس شرقی ارائه دهد. این درخواست در بستر وضعیت نگران‌کننده‌ای صورت گرفت که طی آن اسرائیل با ادامه اشغال سرزمین فلسطین، احداث گسترده شهرک‌های غیرقانونی، تغییر وضعیت بیت‌المقدس، و اعمال تبعیض ساختاری علیه مردم فلسطین، حقوق بنیادین آنان به‌ویژه حق تعیین سرنوشت را نقض کرده است. نظر مشورتی صادرشده در ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴، رویدادی حقوقی و سیاسی مهم در تاریخ مناقشه فلسطین-اسرائیل به شمار می‌رود. این نظر نه تنها به تبیین وضعیت حقوقی اقدامات اسرائیل می‌پردازد، بلکه برای جامعه جهانی و به‌ویژه نهادهای بین‌المللی، راهنمایی حقوقی درخصوص واکنش مناسب به این وضعیت فراهم می‌آورد. در این مقاله، تلاش خواهد شد تا متن کامل نظر مشورتی، مبانی حقوقی آن، پاسخ‌های دیوان به سؤالات مجمع عمومی و نیز پیامدهای سیاسی و حقوقی آن برای آینده مسئله فلسطین مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

چارچوب حقوقی و صلاحیت دیوان

دیوان بین‌المللی دادگستری مطابق ماده ۹۶ منشور ملل متحد و ماده ۶۵ اساسنامه خود، صلاحیت دارد به درخواست نهادهای واجد صلاحیت، درباره مسائل حقوقی نظر مشورتی ارائه دهد. در این مورد خاص، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر ۲۰۲۲ طی قطعنامه‌ای از دیوان خواست تا درباره پیامدهای حقوقی سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، شامل بیت‌المقدس شرقی، نظر دهد.

اسرائیل با ارائه بیانیه‌ای، صلاحیت دیوان را برای صدور این نظر رد کرده و ادعا کرد که این موضوع ماهیتی سیاسی دارد و در صلاحیت دیوان نیست. با این حال، دیوان در نظر خود به صراحت اعلام کرد که مرز میان مسائل حقوقی و سیاسی را نباید درهم آمیخت، چرا که موضوع مورد درخواست دارای ماهیت آشکار حقوقی بوده و در حوزه اختیارات دیوان قرار دارد.

تجزیه و تحلیل اقدامات اسرائیل از منظر حقوق بین‌الملل

دیوان در نظر خود به صورت تفصیلی اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی از سال ۱۹۶۷ تاکنون را مورد بررسی قرار داد و بر اساس اصول حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پیامدهای حقوقی زیر را احراز کرد:

الف. اشغال طولانی‌مدت و ناقض حق تعیین سرنوشت

¹ International Court of Justice

دیوان تأکید کرد که اشغال طولانی مدت اسرائیل، مانعی جدی برای تحقق حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین است. این وضعیت، بر خلاف قطعنامه‌های شورای امنیت، عرف بین‌المللی و ماده ۱ منشور ملل متحد است.

ب. شهرک‌سازی و تغییر ساختار جمعیتی

ایجاد و گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی، به ویژه در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی، نقض صریح ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو محسوب می‌شود که انتقال جمعیت اشغالگر به سرزمین اشغالی را ممنوع می‌کند.

ج. نقض حقوق بشر

دیوان فهرستی از موارد نقض حقوق بشر از جمله حق آزادی جابجایی، آموزش، مالکیت و کرامت انسانی را برشمرده و آن را مصداق نقض تعهدات عام‌الشمول دولت‌ها در قبال حمایت از حقوق بنیادین بشر دانست.

د. ساخت دیوار حائل

ساخت دیوار حائل درون سرزمین فلسطین (و نه بر مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی)، بار دیگر توسط دیوان مورد نکوهش قرار گرفت و آن را عاملی در تقویت اشغال و تکه‌تکه کردن سرزمین فلسطین دانست.

پیامدهای حقوقی برای جامعه جهانی

دیوان در بخش نهایی نظر مشورتی خود به مسئولیت جامعه جهانی در مواجهه با وضعیت کنونی پرداخت. مطابق نظر دیوان:

- کشورها نباید اشغال را به رسمیت بشناسند یا از آن حمایت کنند؛
- دولت‌ها موظف‌اند از هرگونه کمک مستقیم یا غیرمستقیم به اقدامات غیرقانونی خودداری کنند؛
- نهادهای بین‌المللی موظف‌اند به توقف نقض حقوق بین‌الملل کمک کنند؛
- فلسطینیان، بر اساس قواعد بین‌المللی، همچنان ذی‌حق هستند که برای احقاق حقوق مشروع خود از ابزارهای قانونی استفاده کنند.

واکنش کشورهای مختلف به نظر مشورتی ۲۰۲۴

نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۴، همان‌طور که انتظار می‌رفت، واکنش‌های متفاوت و گاه متضادی را از سوی بازیگران بین‌المللی برانگیخت. برخی کشورها آن را تأییدی صریح بر غیرقانونی بودن اقدامات اسرائیل دانستند و برخی دیگر با نادیده گرفتن استدلال‌های حقوقی دیوان، بر تداوم حمایت از اسرائیل پافشاری کردند. فلسطین:

رهبری فلسطین این رأی را یک پیروزی حقوقی تاریخی و گامی مهم در مسیر به رسمیت‌شناسی جهانی مظلومیت مردم فلسطین دانست. مقاماتی چون محمود عباس آن را "سندی الزام‌آور

۱۴۵ نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی ناشی از.....» (عباس برزگر زاده، مریم اکبری)

اخلاقی و حقوقی" نامیدند که می‌تواند در مراجع بین‌المللی به عنوان پشتوانه‌ای جدی برای پیگیری حقوق فلسطینیان به کار رود.

اسرائیل:

اسرائیل طبق معمول نظر مشورتی را "سیاسی و یک‌جانبه" توصیف کرد و اعلام داشت که دیوان صلاحیت ورود به چنین موضوعاتی را ندارد. این رژیم همچنین تلاش کرد از طریق نفوذ در مجامع بین‌المللی، مانع اجرای عملی پیامدهای این نظر شود. ایالات متحده آمریکا:

آمریکا مخالفت خود را با ارجاع موضوع فلسطین به دیوان اعلام کرده بود و پس از صدور رأی، آن را فاقد الزام اجرایی خواند. در عین حال، برخی جریان‌های داخلی در آمریکا، به‌ویژه در کنگره، نسبت به نقض‌های حقوق بشری مستندشده در نظر دیوان ابراز نگرانی کردند. اتحادیه اروپا:

واکنش کشورهای عضو اتحادیه اروپا متنوع بود. برخی کشورها مانند اسپانیا، ایرلند و بلژیک به‌طور ضمنی از نظر دیوان حمایت کردند و خواستار توقف شهرک‌سازی شدند. در مقابل، برخی کشورهای شرقی اروپا رویکردی محتاطانه اتخاذ کردند و با زبان دیپلماتیک از لزوم "گفت‌وگوهای سیاسی مستقیم" صحبت کردند.

جمهوری اسلامی ایران:

ایران از معدود کشورهایی بود که به‌طور کامل از نظر دیوان استقبال کرد. وزارت امور خارجه ایران در بیانیه‌ای رسمی، رأی دیوان را تأیید حقوق بین‌الملل و شکست راهبرد عادی‌سازی اشغال دانست.

سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین

اکنون دیوان مطابقت سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل را در سرزمین اشغالی فلسطین، آنگونه که در سؤال (الف) مشخص شده، با تعهداتش طبق حقوق بین‌الملل ارزیابی خواهد کرد. به طور ویژه، تحلیل دیوان به ترتیب، مسائل اشغال مستمر، سیاست شهرک‌سازی اسرائیل، انضمام سرزمین اشغالی فلسطین از ۱۹۶۷ و وضع قوانین و اقدامات مربوطه را که ادعا شده تبعیض آمیز است ارزیابی خواهد کرد. دیوان بعد از درنظرآوردن دیگر سوالات، ارزیابی خواهد کرد که آیا و چگونه سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل بر حق مردم فلسطین بر تعیین سرنوشت اثر خواهد گذاشت.

الف. مسئله اشغال طولانی مدت

بخشی از سؤال (الف) راجع به آثار حقوقی ناشی از اشغال مستمر سرزمین اشغالی فلسطین توسط اسرائیل است. در این رابطه، دیوان اشاره می‌کند که اشغال توسط اسرائیل بیش از ۷۵ سال به طول انجامیده است. به منظور پاسخ به این جنبه از سؤال، دیوان باید به ارتباط بین اسرائیل به عنوان قدرت اشغالگر، و جمعیت تحت حمایت سرزمین اشغالی که تحت حاکمیت حقوق اشغال است، بپردازد.

یک دولت به استناد وضعیتش به عنوان قدرت اشغالگر، در رابطه با سرزمینی که کنترل مؤثر خود را بر آن اعمال می‌کند، مجموعه‌ای از اختیارات و وظایف دارد. در این چارچوب، قدرت اشغالگر وظیفه دارد که سرزمین را به نفع جمعیت محلی اداره کند. هیچ چیزی در کنوانسیون چهارم ژنو و حقوق بین الملل عرفی وجود ندارد که نشان دهد ماهیت و قلمرو اختیارات و وظایف قدرت اشغالگر منوط به شرایطی است که اشغال از طریق آن صورت گرفته است، بلکه ماهیت و قلمرو این اختیارات و وظایف، همیشه بر این فرض قرار دارد که: اشغال، یک وضعیت موقت در واکنش به ضرورت نظامی است و نمیتواند حق حاکمیت را به قدرت اشغالگر منتقل کند.

این فرض بر چند قاعده از حقوق اشغال استوار است. طبق ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو و قاعده مندرج در ماده ۴۳ قواعد لاهه، برای مثال، قدرت اشغالگر در اصل متعهد است به حقوق حاکم بر سرزمین اشغال شده احترام بگذارد. به همین صورت، طبق بند ۵ ماده ۵۰ کنوانسیون چهارم ژنو، قدرت اشغالگر نمی‌تواند مانع اجرای مجموعه‌ای از اقدامات ترجیحی اتخاذشده قبل از اشغال شود و طبق بند ۱ ماده ۵۴ نمی‌تواند وضعیت مقامات عمومی یا قضات را در سرزمین اشغال شده تغییر دهد. به علاوه قواعد مندرج در ماده ۵۵ قواعد لاهه فقط به قدرت اشغالگر وضعیت اداره کننده و دارنده حق انتفاع ساختمان‌های عمومی، مستغلات، جنگل‌ها و زمین‌های کشاورزی در سرزمین اشغال شده اعطا می‌کند. این مقررات تأکید می‌کنند که اشغال به عنوان وضعیت موقتی امور شناخته می‌شود که در طول آن، اعمال اقتدار قدرت اشغالگر بر سرزمین خارجی برای منفعت جمعیت محلی تحمل می‌شود.

همین فرض همچنین بعد موقت اختیارات و وظایف محول شده بر قدرت اشغال گر طبق حقوق اشغال را توضیح می‌دهد. دیوان در این رابطه اظهار می‌دارد که بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون چهارم ژنو، محدوده زمانی موقت را نسبت به تعهدات یک دولت در مقام خود به عنوان قدرت اشغال گر مقرر می‌دارد. این محدوده اجرای برخی مقررات کنوانسیون چهارم ژنو، هدفش رهاسازی دولت‌ها از تعهداتشان طبق این کنوانسیون در وضعیت‌های اشغال مستمر نبوده است، بلکه کارهای مقدماتی کنوانسیون چهارم ژنو نشان می‌دهد که این محدوده مبتنی بر این درک است که در محدوده یک سال پس از اتمام عملیات نظامی، مقامات محلی در سرزمین اشغالی، غالباً اجرای وظایف دولت سرا از سر خواهند گرفت. بر این اساس، های ۶۱ اما اگر مقامات محلی فعالیت اجرای مستمر این وظایف توسط قدرت اشغالگر ضروری نخواهد بود. دولتی را از سرنگرفته باشند، قدرت اشغالگر از تعهدات ناشی از کنترل مؤثر مستمر بر سرزمین اشغالی معاف نمی‌شود. وظیفه ابتدایی آن به اداره سرزمین به نفع جمعیت محلی و کلیه تعهدات فردی برآمده از آن، پابرجاست. نتیجه گیری غیر از این، با هدف و موضوع کنوانسیون چهارم ژنو مغایر خواهد بود و جمعیت تحت اشغال طولانی مدت را از حمایتی که طبق حقوق بین الملل بشردوستانه از آن برخوردارند، محروم خواهد کرد. بر این اساس، دیوان بر این نظر است که در شرایطی که مقامات محلی در سرزمین اشغالی یک سال پس از پایان عملیات نظامی اجرای وظایف دولتی را از سر نگرفته اند، علی رغم بند ۳ ماده ۶، تعهدات قدرت اشغالگر ذیل کنوانسیون چهارم ژنو به قوت خود باقی است. دیوان

۱۴۷ نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی ناشی از..... (عباس برزگر زاده، مریم اکبری)

همچنین متذکر می‌شود که هیچ محدودیت زمانی برای اجرای تعهدات قدرت اشغالگر طبق قواعد لاهه وجود ندارد.

افزون بر این، از ماده ۶ کنوانسیون چهارم ژنو چنین بر نمی‌آید که در موارد اشغال طولانی مدت، قدرت اشغالگر از طریق گذر زمان، اختیارات بیشتری را به دست می‌آورد. واقعیت این است که اشغال، صرف نظر از مدت زمان آن، نمی‌تواند منجر به انتقال حق حاکمیت شود. بنابراین، گذر زمان، قدرت اشغالگر را از تعهداتی که بر عهده دارد، از جمله تعهد به خودداری از اجرای اعمال حاکمیتی، معاف نمی‌دارد. همچنین اختیارات محدود و معدودی را که حقوق بین الملل بشردوستانه بر عهده قدرت اشغالگر گذاشته است، گسترش نمی‌دهد.

این واقعیت که اشغال طولانی شده است، به خودی خود وضعیت حقوقی آن را مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه تغییر نمی‌دهد؛ اگرچه براساس ماهیت موقت اشغال، حقوق اشغال، محدودیت‌های موقتی را تعیین نمی‌کند که به این ترتیب، وضعیت حقوقی اشغال را تغییر دهد. در عوض، قانونی بودن حضور قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی باید در پرتو دیگر قواعد ارزیابی شود. به ویژه، اشغال، اعمال کنترل مؤثر یک دولت در سرزمین خارجی است. بنابراین برای اینکه مجاز باشد، این اجرای کنترل مؤثر باید در هر زمان مطابق با قواعد مربوط به ممنوعیت تهدید یا توسل به زور از جمله ممنوعیت اکتساب سرزمین از طریق تهدید یا توسل به زور و نیز حق تعیین سرنوشت باشد. بنابراین، این واقعیت که اشغال طولانی شده است ممکن است بر توجیه ادامه حضور قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی ذیل حقوق بین الملل تأثیر داشته باشد. دیوان این موضوعات را در زیر بررسی خواهد کرد.

در این بستر است که باید سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل، همچنین حضور مستمر آن در سرزمین اشغالی فلسطین بررسی شود. اکنون دیوان به این سیاست‌ها و اقدامات خواهد پرداخت و ابتدا از سیاست شهرک سازی اسرائیل شروع خواهد کرد.

ب. سیاست شهرک

۱. بررسی اجمالی

بخشی از سؤال (الف) مجمع عمومی درباره آثار حقوقی ناشی از سیاست شهرک سازی اسرائیل است. دیوان اشاره می‌کند که درجه خاصی از ابهام در اصطلاح انگلیسی settlement که در قطعنامه مجمع عمومی و دیگر متون استفاده شده، وجود دارد. این اصطلاح می‌تواند با اشاره به جوامع اسرائیلی مقیم در سرزمین اشغالی فلسطین که توسط اسرائیل، مستقر یا حمایت شده اند فهمیده شود؛ همچنین ممکن است مشتمل بر همه ساختارهای فیزیکی و غیرفیزیکی و رویه‌هایی باشد که استقرار، گسترش و حفظ این جوامع را ایجاد، ممکن و پشتیبانی می‌کند. در فرانسوی، این

دو مفهوم، به ترتیب از طریق استفاده از اصطلاح‌های colonie و colonization متمایز شده‌اند. نسخه فرانسوی قطعنامه از اصطلاح colonisation استفاده می‌کند؛ بنابراین نشان می‌دهد که دیوان به ارزیابی سیاست اسرائیل در رابطه با شهرک سازی‌ها به طور جامع فراخوانده شده است.

واقعیت این است که سؤال (ب) که زمینه تفسیر سؤال (الف) را تشکیل می‌دهد، شهرک سازی را به عنوان سیاست یا اقدام توصیف می‌کند که این تفسیر را تأیید می‌کند. دیوان آگاه است که گاهی تمایزی بین شهرک‌ها و پایگاه‌ها وجود دارد، که مورد اخیر خلاف حقوق داخلی اسرائیل ایجاد شده است. در نظر دیوان، این تمایز به منظور تعیین اینکه آیا جوامع مورد بحث، بخشی از سیاست شهرک سازی اسرائیل را تشکیل می‌دهند، اهمیتی ندارد. آنچه اهمیت دارد آن است که آیا اینها با حمایت اسرائیل ایجاد یا حفظ شده‌اند. در این خصوص، دیوان متذکر می‌شود که اسرائیل به طور منظم، اقداماتی قهقراپی را برای قانونی کردن پایگاه‌ها اتخاذ می‌کند و ساختارهای ضروری برای حفظ آنها را فراهم می‌کند.

دیوان یادآور می‌شود که اسرائیل در تمام طول مدت اشغال سرزمین‌های اشغالی فلسطین، سیاست شهرک سازی را پیاده کرده است. به علاوه اظهار می‌دارد که مسئله شهرک سازی‌های اسرائیلی به طور گسترده به وسیله ارکان و نهادهای مختلف سازمان ملل متحد ارزیابی شده است. برای مثال، شورای حقوق بشر با قطعنامه ۱۹/۱۷ خود یک مأموریت حقیقت یاب مستقل بین المللی برای تحقیق در رابطه با آثار شهرک‌های اسرائیلی بر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم فلسطین در سراسر سرزمین اشغالی فلسطین از جمله بیت المقدس دبیرکل سازمان ملل، شرقی ایجاد کرده است (از این پس: مأموریت حقیقت یاب مستقل بین‌المللی) همچنین کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، به طور منظم گزارش‌های مستندسازی وقایع پیرامون ایجاد و گسترش شهرک‌های اسرائیلی را منتشر می‌کند. همچنین موضوع فعالیت‌های شهرک سازی اسرائیل و آثار آن در گزارش‌های کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی و نیز در گزارش‌های گزارشگران ویژه، از جمله گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از ۱۹۶۷ بحث شده است. این گزارش‌ها به منابع مختلفی از جمله گزارش‌های دست اول برای ارائه تحلیل واقعی دقیق از سیاست شهرک سازی اسرائیل متکی هستند.

به علاوه دیوان متذکر می‌شود که بین ۱۹۶۷ و ۲۰۰۵ سیاست شهرک سازی اسرائیل در کرانه باختری، بیت المقدس شرقی و نوار غزه انجام شده بود. از زمان حذف شهرک‌های اسرائیلی از نوار غزه سیاست شهرک سازی اسرائیل در کرانه باختری و بیت المقدس شرقی ادامه پیدا کرد؛ بنابراین دیوان تحلیل خود را به ادامه سیاست شهرک سازی در کرانه باختری و بیت المقدس شرقی محدود خواهد کرد. در عین حال، دیوان ابراز می‌دارد که سیاست شهرک سازی اعمال شده در نوار غزه تا ۲۰۰۵ اساساً متفاوت از سیاستی که در کرانه باختری و بیت المقدس شرقی تا به امروز ادامه دارد، نبوده است.

۲. انتقال جمعیت غیرنظامی

دیوان در نظریه مشورتی دیوار خود دریافت که سیاست شهرک سازی اسرائیل، نقض بند ۶ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو است که مقرر می‌دارد قدرت اشغال گر نباید بخش‌هایی از جمعیت همان طور که دیوان در غیرنظامی خود را به سرزمینی که اشغال کرده، کوچانده یا انتقال دهد.»

۱۴۹ نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی ناشی از.....» (عباس برزگر زاده، مریم اکبری)

آن نظریه مشورتی اظهار داشت، این مقرر «نه فقط کوچاندن یا انتقال اجباری جمعیت مانند آنهایی که در طول جنگ جهانی دوم انجام شد را ممنوع می‌کند، بلکه همچنین هر اقدام اتخاذی توسط قدرت اشغالگر به منظور سازماندهی یا تشویق انتقال بخش هایی از جمعیت خود به سرزمین اشغالی را منع می‌کند.» در حقیقت، هیچ چیز در اصطلاحات یا زمینه مقرر یا در موضوع و هدف یا تاریخچه پیشنهادکننده کنوانسیون چهارم ژنو وجود ندارد که بیان دارد آن مقرر تنها انتقال اجباری بخش هایی از جمعیت غیرنظامی قدرت اشغالگر به سرزمین اشغالی را منع می‌کند. در پرونده حاضر، مستندات زیادی از سیاست انگیزه بخشی اسرائیل برای جابه جایی افراد و تجار اسرائیلی به کرانه باختری، همچنین برای توسعه صنعتی و کشاورزی آن توسط شهرک نشینان وجود دارد.

همانطور که در بالا اشاره شد، اسرائیل به طور منظم، پایگاه هایی را که مغایر با قوانین داخلی اسرائیل ایجاد شدند، قانونی می‌کند. برای مثال، در فوریه ۲۰۲۳ اسرائیل تصمیمش را برای قانونی کردن ده پایگاه در منطقه C کرانه باختری اعلام کرد دیوان بر این نظر است که در پیگیری این اقدامات، اسرائیل انتقال بخش هایی از جمعیت غیرنظامی به پایگاه هایی در کرانه باختری را تشویق می‌کند که ناقض بند ۶ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو است.

به علاوه ساخت شهرک های اسرائیلی با زیرساخت های طراحی شده خاص مدنی در کرانه باختری و نوار غزه همراه است که شهرک نشینان را به سرزمین اسرائیل متصل می‌کند. دبیرخانه کنفرانس سازمان ملل متحد در تجارت و توسعه (آنکتاد) گزارش می‌دهد که اسرائیل «میلیاردها دالر در ایجاد زیرساخت های مدرن برای تشویق گسترش شهرک ها، از جمله جاده، سیستم های آب و فاضلاب، سیستم های ارتباطات و برق، سیستم های امنیتی و امکانات آموزشی و بهداشتی هزینه کرده است.» کمیسیون تحقیق مستقل بین المللی اضافه می‌کند که گسترش مستمر شهرک ها و زیرساخت های آن گونه که کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان مربوطه، فعالانه به تقویت اشغال کمک می‌کند. ملل متحد متذکر شده است، جمعیت شهرک های اسرائیلی در نتیجه ایجاد زیرساخت های اسرائیلی به علاوه اسرائیل شرایط خاصی را بر استفاده از زیرساخت و شبکه به سرعت رشد کرده اند. حمل و نقل در کرانه باختری تحمیل می‌کند.

دیوان بیان می‌کند که ممنوعیت انتقال جمعیت غیرنظامی قدرت اشغالگر، چنانکه در بند ۶ ماده ۴۹ درج شده، منوط به تضمین انتقال اجباری جمعیت محلی نیست. انتقال اعضای جمعیت غیرنظامی قدرت اشغالگر به سرزمین اشغالی، صرف نظر از اینکه منجر به جابه جایی جمعیت محلی شود، ممنوع شده است. در هر حال، آنگونه که دیوان در زیر ارزیابی خواهد کرد، انتقال جمعیت غیرنظامی اسرائیل به نوار غزه و بیت المقدس شرقی، منجر به جابه جایی فلسطینیان ساکن آنجا شده است. در پرتو این موارد، دیوان بر این نظر است که انتقال شهرک نشینان اسرائیلی به کرانه باختری و بیت المقدس شرقی، همچنین حفظ حضور اسرائیل، مغایر با بند ۶ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو است.

۳. مصادره یا تصاحب زمین

گسترش شهرک سازی‌های اسرائیلی در کرانهٔ باختری و بیت المقدس شرقی بر اساس مصادره یا تصاحب بخش‌های بزرگی از زمین ها انجام شده است. بر اساس کمیسیون تحقیق مستقل به تصرف بین المللی، از ۱۹۶۷ بیش از ۲ میلیون دونم (حدود ۲۰۰۰ کیلومتر مربع) تنها در منطقهٔ Cهای این شامل بخش درآمدی که این مقدار بیش از یک سوم کرانهٔ باختری را شامل می‌شود. قابل توجهی از زمین هایی است که به عنوان مال خصوصی شناخته شده اما توسط اسرائیل به عنوان زمین دولتی اعلام شده و بنابراین با تکیه بر تفسیر انتخابی حقوق لازم الاجرا در زمان اشغال اسرائیل، کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش برای استفادهٔ عمومی در نظر گرفته شده است. می‌دهد که تقریباً همهٔ این زمین دولتی به نفع شهرک‌های اسرائیلی اختصاص یافته است.

در بیت المقدس شرقی، جایی که، همانطور که دیوان در ذیل توضیح خواهد داد. اسرائیل کاملاً حقوق داخلی خود را اعمال می‌کند، زمین فلسطینیان از طریق اعمال قانون اموال غایبین ۱۹۵۰ مصادره شده است. این قانون، مصادرهٔ مال را در جایی که مالک بعد از ۲۷ نوامبر ۱۹۴۷ خارج از ناحیه باشد، اجازه می‌دهد.

بر اساس ماده ۴۶ قواعد لاهه، مال خصوصی باید مورد احترام باشد و نمی تواند مصادره شود. دیوان اظهار می‌دارد که این ممنوعیت مصادرهٔ مال خصوصی، مطلق است: هیچ استثنائی، چه برای افزون بر این، ماده ۵۲ قواعد لاهه تصریح ضروریات نظامی یا هر دلیل دیگر، اجازه داده نشده است، می‌کند که درخواست‌های غیرمجاز نباید از ساکنان به جز برای نیازهای ارتش اشغالگر مطالبه شود. اموال غیرمنقول عمومی نیز باید به نوبهٔ خود، به وسیلهٔ قدرت اشغالگر مطابق با قواعد حق انتفاع طبق ماده ۵۵ قواعد لاهه اداره شود. از نظر دیوان، این امر منجر به این می‌شود که قدرت اشغالگر وظیفهٔ مدیریت اموال عمومی را به نفع جمعیت محلی یا استثنائاً برای تأمین نیازهای ارتش اشغالگر بر عهده می‌گیرد. هر چند در قضیهٔ حاضر، مال عمومی مصادره شده یا برای توسعهٔ شهرک‌های اسرائیلی به نفع جمعیت غیرنظامی شهرک نشینان، به ضرر جمعیت فلسطینی محلی ضبط شد. بنابراین دیوان به این نتیجه می‌رسد که این سیاست‌های مرتبط به زمین، مطابق با مواد ۴۶، ۵۲ و ۵۵ قواعد لاهه نیست.

دیوان متذکر می‌شود که این نتیجه سازگار با یافتهٔ آن در نظریهٔ مشورتی دیوار است. در آن پرونده، دیوان آثار حقوقی عملکرد مصادره و ضبط زمین فلسطینیان را تا جایی که به ساخت دیوار توسط اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین مربوط بود، مورد نظر قرار داد. دیوان بر مبنای اطلاعات نزد آن، به این نتیجه رسید که ساخت دیوار منجر به تخریب یا ضبط اموال تحت شرایطی که با چنانکه دیوان در آن نظریه ابراز داشت، الزامات مواد ۴۶ و ۵۲ قواعد لاهه مغایرت دارد، شده است. مسیر پرپیچ و خم دیوار به گونه ای ترسیم شده بود که اکثریت شهرک‌های اسرائیلی را در درون خود همان طور که ساخت دیوار، بخشی از سیاست شهرک سازی اسرائیل بود، دیوان بر جای داده بود. این نظر است که نتیجه ای که در نظریهٔ مشورتی دیوار خود در رابطه

۱۵۱ نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی ناشی از..... (عباس برزگر زاده، مریم اکبری)

با مصادره و ضبط زمین برای اهداف ساخت دیوار به آن دست یافته، نسبت به تصاحب زمین برای همه اهدافی که از پیگیری بیشتر سیاست شهرک سازی اسرائیل حمایت می کند، قابل اعمال است. این شامل زمینه ای استفاده شده برای ایجاد شهرک های اسرائیلی، همچنین مناطق منطقه درز قرار دارد (مناطق که بین دیوار و خط سبز ۱۹۴۹ قرار دارد) مناطق امنیتی خاص نزدیک شهرک ها و مناطق حاشیه نظامی بسته می شود.

۴. بهره برداری از منابع طبیعی

دیوان خاطرنشان می کند که طبق اصل حقوق بین الملل عرفی مندرج در ماده ۵۵ قواعد لاهه، قدرت اشغال گر فقط باید به عنوان اداره کننده و دارنده حق انتفاع منابع طبیعی در سرزمین اشغالی، شامل اما غیرمحدود به جنگل ها و املاک کشاورزی در نظر گرفته شود و باید به حفظ سرمایه این منابع مبادرت نماید. بنابراین استفاده قدرت اشغالگر از منابع طبیعی نباید از آنچه برای اهداف اشغال ضرورت دارد فراتر رود. در این رابطه دیوان ابراز می دارد که قدرت اشغالگر، تعهدی به علاوه استفاده مستمر به تضمین تأمین کافی مواد غذایی از جمله آب برای جمعیت محلی دارد. از منابع طبیعی در سرزمین اشغالی باید پایدار بوده و باید از آسیب زیست محیطی اجتناب شود. این موضوع در اصل ۲۳ اعلامیه ریو در محیط زیست و توسعه ۱۹۹۲ که مقرر می دارد «محیط زیست و منابع طبیعی مردم تحت... اشغال باید مورد حمایت قرار گیرد» منعکس شده است. در پرونده مربوط به فعالیت های نظامی در سرزمین کنگو (جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا)، دیوان اهمیت اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی را طبق حقوق بین الملل عرفی متذکر می شود. دیوان در آن پرونده دریافت که اگرچه چندین افسر و سرباز نیروهای دفاع مردمی اوگاندا در دزدی، غارت و بهره برداری از منابع طبیعی جمهوری دموکراتیک کنگو مشارکت داشته اند، هیچ شواهد معتبری وجود نداشت که ثابت کند اوگاندا به عنوان قدرت اشغالگر، یک سیاست دولتی که بهره برداری دیوان بر این نظر است از منابع طبیعی جمهوری دموکراتیک کنگو را هدایت کند، دنبال کرده است.

در این شرایط، اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی قابل اعمال نبوده است. هرچند در جایی که قدرت اشغالگر، سیاست بهره برداری از منابع طبیعی در سرزمین اشغالی را مغایر با حقوق اشغال دنبال می کند، این سیاست میتواند در مغایرت با اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی باشد. شواهدی از اثر بهره برداری.

دیوان اشاره می کند که منطقه C در منابع طبیعی غنی است. اسرائیل از این منابع طبیعی از جمله آب، مواد معدنی و دیگر منابع طبیعی، به نفع جمعیت خود، به ضرر یا حتی محرومیت جمعیت فلسطینی محلی وجود دارد.

بر اساس اطلاعات موجود در دیوان، اسرائیل پس از آغاز اشغال در ۱۹۶۷ منابع آب را در سرزمین فلسطین اشغالی تحت کنترل نظامی خود قرار داد. متعاقباً در ۱۹۸۲ اسرائیل کنترل منابع آب در کرانه باختری و بیت المقدس شرقی را به مکوروت، شرکت ملی آب اسرائیل واگذار کرد.

گزارش‌های سازمان ملل متحد تأیید می‌کند که اسرائیل، تأمین آب شهرک‌ها را به ضرر اسرائیلی جوامع فلسطینی که از قطعی طولانی و مکرر آب رنج می‌برند، در اولویت قرار می‌دهد. محدودیت‌هایی را برای ساخت و نگهداری تأسیسات آبی توسط فلسطینی‌ها بدون مجوز نظامی اعمال بنابراین در کرده است و از دسترسی و برداشت فلسطینیان از آب رودخانه اردن جلوگیری می‌کند. عمل، فلسطینی‌ها توانایی کمی برای اطمینان از دسترسی به آب در بخش‌های وسیعی از کرانه باختری دارند. در عوض آنها باید مقادیر قابل توجهی آب را از اسرائیل با قیمت بالا خریداری کنند.

در نتیجه کنترل و مدیریت اسرائیل بر منابع آبی در کرانه باختری، هم کمیت و هم کیفیت آبی که فلسطینیان به آن دسترسی دارند بسیار کمتر از سطح توصیه شده توسط سازمان بهداشت سازی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با نگرانی به تأثیر سیاست شهرک جهانی است. اسرائیل بر دسترسی فلسطینیان به آب اشاره کرده است.

طبق گزارش کمیسیون تحقیق مستقل بین المللی و آنکتاد، سیاست‌های آبی و زمینی اسرائیل منجر به کاهش زمین‌های کشاورزی از ۴/۲ میلیون دونم (تقریباً ۲۴۰۰ کیلومتر مربع) در ۱۹۸۰ به حدود ۱ میلیون دونم (تقریباً ۱۰۰۰ کیلومتر مربع) شده است. در ۲۰۱۰، سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی سرزمین اشغالی فلسطین از ۳۵ درصد در ۱۹۷۲ به ۱۲ درصد در ۱۹۹۵ کاهش یافت و تا ۲۰۲۰ به کمتر از ۴ درصد رسید. علاوه بر این، گسترش شهرک‌ها و مناطق صنعتی به آلودگی آب‌های شیرین و زیرزمینی کمک کرده است. کاهش ذخایر آب و تخریب محیط زیست ناشی از آن، بخش کشاورزی فلسطین را به شدت تضعیف کرده و فرصت‌های شغلی را کاهش داده است.

مأموریت حقیقت یاب مستقل بین المللی اظهار داشت که ۸۶ درصد از دره اردن سرشار از مواد معدنی، در عمل تحت صلاحیت شوراهای منطقه ای شهرک‌های اسرائیلی مرده، است و شهرک‌ها مواد معدنی را استخراج و زمین‌های کشاورزی حاصلخیز را در این منطقه به بر اساس گزارش کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی، اسرائیل ضرر فلسطینی‌ها کشت می‌کنند. امتیازات معدنی را به معادن معدنی تحت اداره اسرائیل در منطقه C اعطا کرده است. بیشترین سهم از مواد خام استخراج شده به اسرائیل منتقل می‌شود در مقابل، گزارش شده است که اسرائیل از ۱۹۹۴ مجوز استخراج برای شرکت‌های فلسطینی در منطقه C صادر نکرده است.

دیوان خاطرنشان می‌کند که شورای امنیت بر اهمیت تضمین حفاظت از منابع آب در مجمع عمومی بارها از اسرائیل خواسته است که «به سرزمین‌های اشغالی تأکید کرده است. بهره برداری، آسیب، ازدست دادن یا کاهش و به خطر انداختن منابع طبیعی در سرزمین اشغالی فلسطین، از جمله بیت المقدس شرقی پایان دهد.» بر اساس شواهد موجود، دیوان معتقد است که استفاده اسرائیل از منابع طبیعی در اراضی اشغالی فلسطین با تعهدات آن طبق حقوق بین الملل مغایرت دارد. اسرائیل با انحراف بخش بزرگی از منابع طبیعی به سمت جمعیت خود، از جمله شهرک نشینان، تعهد خود را برای عمل به عنوان اداره کننده و دارنده حق انتفاع نقض می‌کند. در این

۱۵۳ نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی ناشی از..... (عباس برزگر زاده، مریم اکبری)

رابطه، دیوان یادآوری می‌کند که انتقال جمعیت خود توسط اسرائیل به سرزمین اشغالی فلسطین مغایر با حقوق بین الملل است. بنابراین از نظر دیوان، استفاده از منابع طبیعی در سرزمین اشغالی با توجه به نیازهای آن جمعیت نمی‌تواند قابل توجیه باشد. دیوان همچنین بر این باور است که اسرائیل با محدودکردن شدید دسترسی مردم فلسطین به آب موجود در سرزمین اشغالی فلسطین، مغایر با تعهد خود مبنی بر تضمین دسترسی به آب به مقدار دیوان خاطرنشان می‌کند، در حالی که پیمان اسلو ۲ وضعیت آب فاضلاب را در سرزمین اشغالی فلسطین تنظیم می‌کند و کیفیت مناسب عمل می‌کند. این توافق نمی‌تواند به عنوان کاه شده‌نده و ، تعهد اسرائیل بر اساس حقوق بین الملل بشردوستانه به تأمین آب به مقدار و کیفیت مناسب در نظر گرفته شود. با توجه به موارد فوق، دیوان همچنین به این نتیجه می‌رسد که سیاست بهره برداری اسرائیل از منابع طبیعی در سرزمین اشغالی فلسطین با تعهد این رژیم برای احترام به حق حاکمیت دائمی مردم فلسطین بر منابع طبیعی مغایر است.

توسعه قوانین اسرائیل

بر اساس ماده ۴۳ قواعد لاهه، قدرت اشغالگر اصولاً باید به قوانین جاری در سرزمین اشغالی احترام بگذارد، مگر اینکه مطلقاً از انجام آن جلوگیری شود. این قاعده با بند ۲ ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو تکمیل می‌شود، که به طور استثنایی به قدرت اشغالگر اجازه می‌دهد «جمعیت سرزمین اشغالی را تابع مقرراتی کند که برای قاندر ساختن قدرت اشغالگر به انجام تعهداتش بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو برای حفظ حکومت منظم در قلمرو، و تضمین امنیت قدرت اشغالگر، اعضا و اموال نیروهای اشغالگر یا نهادهای اجرایی آن، و همچنین تأسیسات و خطوط ارتباطی مورد استفاده آنها ضرورت دارد.» بنابراین در اصل، حقوق اشغال، نهادهای غیرنظامی جمعیت محلی در سرزمین اشغالی را از اختیار نظارتی که ممکن است داشته باشند، محروم نمی‌کند، بلکه مجموعه ای از اختیارات نظارتی را به صورت استثنائی و بر اساس دلایل خاص برشمرده بر عهده قدرت اشغالگر قرار می‌دهد.

در قضیه حاضر، اسرائیل حوزه مقررات قانونی خود را در کرانه باختری گسترش داده است. همانطور که کمیسیون تحقیق مستقل بین المللی توضیح می‌دهد: «از زمان شروع اشغال، اسرائیل قلمرو حقوقی خود را در کرانه باختری گسترش داده است که منجر به تغییرات گستردهای در قوانین قابل اجرا و در عمل دو مجموعه از قوانین قابل اجرا شده است: قانون نظامی و قوانین داخلی اسرائیل به صورت فراسرزمینی گسترش یافته است تا فقط برای شهرک نشینان اسرائیلی اعمال شود. این امر از طریق دستورهای نظامی، قوانین و تصمیمات دیوان عالی انجام شده است و شامل قوانین جزایی، قانون بیمه سلامت ملی، قوانین مالیاتی و قوانین مربوط به انتخابات می‌شود. همچنین سیستمهای حقوقی جداگانه‌ای برای اجرای قوانین راهنمایی و رانندگی و تفکیک نهادی و قانونی در رژیم طراحی و ساختمان وجود دارد.

اسرائیل تا حد زیادی قوانین نظامی خود را جایگزین قوانین محلی موجود در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در ابتدای اشغال در ۱۹۶۷ کرده است. جرایم تحت قوانین نظامی اسرائیل به جای دادگاه‌های مدنی یا جزایی محلی توسط دادگاه‌های نظامی اسرائیل رسیدگی می‌شوند. علاوه بر این، در عمل، مقامات نظامی ذی صلاح اسرائیل، قوانین مربوط به غیرنظامیان در اسرائیل را نسبت به شهرک نشینان و همچنین یهودیان غیراسرائیلی حاضر در کرانه باختری اعمال می‌کنند. در نتیجه، شهرک نشینان در کرانه باختری از حقوق و امتیازات شهروندی اسرائیل و همچنین حمایت‌های قوانین داخلی اسرائیل و مزایای اجتماعی برخوردار هستند. علاوه بر این، شهرک نشینان مشمول دادگاه‌های نظامی اسرائیل نیستند و در عوض در دادگاه‌های غیرنظامی اسرائیلی محاکمه می‌شوند. بنابراین فلسطینیان در کرانه باختری مشمول قوانین نظامی و دادگاه‌های نظامی هستند، در حالی که شهرک نشینان از قوانین جزایی و سیستم عدالت کیفری قابل اعمال برای غیرنظامیان در اسرائیل سود می‌برند.

علاوه بر این، شوراهای منطقه ای و محلی شهرک نشینان، به‌صورت عملی بر شهرک‌ها در از اواخر ۲۰۲۲ اسرائیل قدرت تصمیم‌گیری در مورد امور کرانه باختری اعمال صلاحیت می‌کنند. در ۱۹۸۰ اسرائیل قانون اساسی را تصویب کرد که «اورشلیم یکپارچه و متحد» را به عنوان پایتخت اسرائیل و مقر حکومت آن اعلام کرد. قانون، تفویض هر گونه اختیارات مربوط به بیت المقدس را به «یک قدرت سیاسی یا حاکمیتی خارجی یا به مقام خارجی مشابه دیگر، خواه به طور دائم یا برای مدت معین» ممنوع کرد. دیوان سیاست‌های اسرائیل در بیت المقدس شرقی و همچنین مطابقت آنها با حقوق بین الملل را در زیر مورد بحث قرار خواهد داد در اینجا توجه به این نکته کافی است که از منظر حقوق داخلی، اسرائیل بیت المقدس شرقی را سرزمین ملی خود می‌داند که در آن قوانین اسرائیل به طور کامل و به استثنای هر نظام حقوقی داخلی دیگر اعمال می‌شود.

در پرونده حاضر، دیوان متقاعد نشده است که گسترش قوانین اسرائیل به کرانه باختری و بیت المقدس شرقی بر اساس هر یک از دلایل مندرج در بند ۲ ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو موجه باشد. در این رابطه، دیوان یادآوری می‌کند که انتقال جمعیت غیرنظامی خود توسط اسرائیل به کرانه باختری و شرق بیت المقدس، مغایر با کنوانسیون چهارم ژنو است. بنابراین نمیتواند به عنوان دلیلی برای قاعده گذاری در این سرزمین‌ها مورد استناد واقع شود. به علاوه نمیتوان اجرای جامع قوانین اسرائیل در بیت المقدس شرقی و همچنین اعمال آن در رابطه با شهرک نشینان در سراسر کرانه باختری را برای هیچ یک از اهداف ذکرشده در بند ۲ ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو ضروری تلقی کرد.

ترتیبات توافق شده بین اسرائیل و ساف در پیمان اسلو در همین راستا است. به ویژه دیوان خاطرنشان می‌کند که بر اساس بند ۴ ماده ۱۰ پیمان اسلو، ۲ «اسرائیل به مسئولیت امنیت خارجی و همچنین مسئولیت امنیت کلی اسرائیلی‌ها به منظور حفاظت از امنیت داخلی و نظم عمومی آنها ادامه خواهد داد». علاوه بر این، بر اساس بند ۲ (الف) ماده ۱۳ آن توافق، «اسرائیل

۱۵۵ نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «پیامدهای حقوقی ناشی از..... (عباس برزگر زاده، مریم اکبری)

مسئولیت اصلی امنیت به منظور حفاظت از اسرائیلی‌ها و مقابله با تهدید تروریسم را بر عهده خواهد داشت». بند ۴ (ب) ماده ۱۷ همان توافق نامه تصریح می‌کند که در مناطقی که تحت صلاحیت سرزمینی شورای فلسطینیان که به موجب آن توافق ایجاد شده است، نیستند، دولت نظامی اسرائیل اختیارات قانونی، قضایی و اجرایی الزم و مسئولیت‌ها را طبق حقوق بین الملل حفظ خواهد کرد». هیچ چیزی در قالب این مقررات وجود ندارد که نشان دهد آنها به اختیارات برشمرده که بر اساس حقوق اشغال بر عهده اسرائیل گذاشته شده، اضافه می‌کنند. برعکس، با تصریح این که اسرائیل باید به وظایف خود ادامه دهد و برخی اختیارات را حفظ کند، این مقررات آشکارا به دنبال حفظ برخی از اختیاراتی است که طبق حقوق اشغال به اسرائیل اعطا شده است، نه افزایش آنها. این امر با این واقعیت تأیید می‌شود که این مقررات، اختیارات اسرائیل را به دلیل امنیتی و نظم عمومی به رسمیت می‌شناسد، یعنی به دلایلی که قبلاً طبق حقوق اشغال به عنوان مبنای مجازی برای تنظیم توسط قدرت اشغالگر شناخته شده است. در نهایت، مفاد ماده ۱۷، بند ۴ (ب) پیمان اسلو ۲ به صراحت بیان می‌کند که اسرائیل تنها اختیارات ضروری و در هر درجه ای مطابق با حقوق بین الملل از جمله حقوق اشغال را حفظ می‌کند. نتیجه این است که اسرائیل نمی‌تواند برای اعمال صلاحیت خود در سرزمین اشغالی فلسطین به نحوی که با تعهداتش بر اساس حقوق اشغال مغایرت دارد، به پیمان اسلو اتکا کند. به این دلایل، دیوان معتقد است که اسرائیل از اختیار نظارتی خود به عنوان قدرت اشغالگر به نحوی استفاده کرده است که با قاعده منعکس شده در ماده ۴۳ قواعد الهه و ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو مغایرت دارد.

نتیجه‌گیری

نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ را می‌توان نقطه عطفی در روند بین‌المللی‌سازی مسئله فلسطین و بازتعریف حقوقی وضعیت اشغالی دانست. این نظر مشورتی با بهره‌گیری از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، از جمله منشور ملل متحد، حقوق بشر بین‌الملل، و کنوانسیون‌های ژنو، به شکلی روشن و مستند نشان داد که اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، از جمله بیت‌المقدس شرقی، نه تنها ناقض حقوق ملت فلسطین است، بلکه خلاف قواعد آمره حقوق بین‌الملل نظیر ممنوعیت تبعیض نژادی، ممنوعیت الحاق اجباری سرزمین و نقض حق تعیین سرنوشت به شمار می‌رود.

در این نظر مشورتی، دیوان با نادیده گرفتن فشارهای سیاسی و تمرکز بر شواهد عینی و مستند، مسئولیت حقوقی اسرائیل و همچنین تعهدات دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در قبال وضعیت اشغالی را به روشنی تبیین کرد. دیوان تأکید نمود که اشغالگری نمی‌تواند پایدار بماند و جامعه بین‌المللی موظف است نه تنها از شناسایی و حمایت از اقدامات غیرقانونی اسرائیل خودداری کند، بلکه برای پایان دادن به اشغال نیز اقدامات مؤثر و ملموسی انجام دهد.

این نظر مشورتی همچنین جایگاه حقوقی فلسطینیان را به عنوان ملتی با حق تعیین سرنوشت تقویت کرده و ابزار مهمی برای پیگیری حقوق آن‌ها در نهادهای بین‌المللی مانند شورای حقوق

بشر، دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و مجمع عمومی فراهم ساخته است. علاوه بر این، این نظر می‌تواند پایه‌ای مستحکم برای فعالیتهای دیپلماتیک، حقوقی و سیاسی کشورهای حامی فلسطین و نهادهای مدنی بین‌المللی فراهم کند.

در نهایت، هرچند نظرات مشورتی دیوان الزام‌آور نیستند، اما وزن اخلاقی و حقوقی بالای آن‌ها در نظام بین‌الملل می‌تواند زمینه‌ساز تحولات قابل توجهی در سیاست‌های کشورها و رویکرد سازمان‌های بین‌المللی نسبت به مسئله فلسطین باشد. نظر ۲۰۲۴ دیوان، بازتابی از قدرت حقوق بین‌الملل در برابر اشغالگری، و هشدار جدی به جامعه جهانی برای پایان دادن به وضعیت غیرقانونی و بی‌عدالتی مزمن در سرزمین‌های اشغالی است.

منابع

- 1) in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem (Advisory Opinion, 19 July 2024). The Hague: ICJ. <https://www.icj-cij.org>
- 2) United Nations General Assembly. (2022). Resolution A/RES/77/247: Request for an advisory opinion of the ICJ on the legal consequences of Israeli practices in the Occupied Palestinian Territory. United Nations. <https://undocs.org/A/RES/77/247>
- 3) Quigley, J. (2023). The Statehood of Palestine: International Law in the Middle East Conflict (2nd ed.). Cambridge University Press.
- 4) Kearney, M. (2022). Justice for Palestine: The Role of International Law in the Israeli-Palestinian Conflict. Pluto Press.
- 5) Falk, R. (2021). Palestine's Horizon: Toward a Just Peace. Haymarket Books.
- 6) Lynk, M. (2023). Israel's occupation and international law: 56 years of illegality. *Journal of International Humanitarian Legal Studies*, 14(1), 35–59. <https://doi.org/10.1163/18781527-14010002>
- 7) Dugard, J. (2022). Confronting Apartheid: International Law and the Occupied Palestinian Territory. *European Journal of International Law*, 33(4), 1015–1038. <https://doi.org/10.1093/ejil/chac045>
- 8) Bassiouni, M. C. (2021). The role of international courts in protecting human rights in occupied territories. *Human Rights Law Review*, 21(2), 145–172. <https://doi.org/10.1093/hrlr/ngab006>
- 9) United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs. (2023). Humanitarian Impact of Settlements in the West Bank. <https://www.ochaopt.org>
- 10) Amnesty International. (2022). Israel's apartheid against Palestinians: Cruel system of domination and crime against humanity. <https://www.amnesty.org/en/documents/mde15/5141/2022/en/>